روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

یکشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۰ | ۲۳ ذی‌القعده ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۷۸ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Sunday - July 4 , 2021

حدیث روز: بحارالانوار

امام حسین(ع): نیاز مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شماست. از این نعمت افسرده و بیزار نباشید.

واحه: مولانا

صد نامه فرستادم صد راه نشان دادم
یا راه نمی‌دانی یا نامه نمی‌خوانی

امروز در تاریخ:

- جشن تیرگان، روز کمان‌کشیدن آرش کمانگیر و پرتاب تیر از فراز البرز
- تبعید دسته‌جمعی علمای بزرگ شیعه از عتبات‌عالیات عراق به ایران(۱۳۰۲ق)
- درگذشت استاد محمد معین، ادیب و لغت‌شناس(۱۳۵۰ش)
- درگذشت صادق چوبک، نویسنده(۱۳۷۷ش)

حکمت ۹۱: نهج‌البلاغه

این دل‌ها هم ملول می‌شوند، آن‌سان که تن‌ها ملول می‌شوند. پس برای شادمان ساختن‌شان سخنان نغز و حکمت‌آمیز بجویید.

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۹ — غروب آفتاب: ۲۰/۲۴
اذان مغرب: ۲۰/۴۵ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۶
اذان صبح (فردا): ۴/۰۹ — طلوع خورشید(فردا): ۵/۵۴

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	اهواز	اردبیل	بندرعباس	چابهار	زاهدان	ساری	کرمان
۳۸ / ۳۰	۴۷ / ۳۲	۳۶ / ۱۸	۳۷ / ۳۱	۳۳ / ۲۹	۳۸ / ۲۲	۳۷ / ۲۶	۳۶ / ۲۰

تلنگر

فرزند چای و بیابان

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

بالاخره هرکسی به‌نوعی می‌میرد. من مطمئنم تابستان یک سال، خودرویی در یکی از خیابان‌های فرعی تهران سرمی‌خورد و با هر زحمت و هنری هست چند متر آن‌طرف‌تر می‌ایستد. راننده که از سرخوردن ناگهانی خودرو شگفت‌زده شده، پیاده می‌شود و آسفالت تفتیده کف خیابان را نگاه می‌کند که در گرمای تیرماه داغ شده و یک مایع لزج و سیال که چند متر پایین‌تر روی زمین ریخته و یک تی‌شرت و یک شلوار هم کنارش افتاده است. اگر این اتفاق برای شما افتاد و خودروی‌تان لیز خورد و پیاده شدید و این صحنه را دیدید، تعجب نکنید. آن سیال لزج کف خیابان منم! منم که در یک روز گرم تیرماه در حال قدم زدن در خیابان‌های فرعی تهران آن‌قدر عرق ریخته‌ام که تماما آب شده و تمام شده‌ام. بالاخره پیمانه عمر هرکسی یک جور سر می‌آید. تقدیر من هم لابد آب شدن در تیرماه است.

نشسته‌ام در گرمای بالای ۳۵ درجه در تراس و دارم چای داغ می‌نوشم. من یک بیمار روانی نیستم. چای نوشیدن سنت ما ایرانی‌هاست و شرایط آب و هوایی نباید ما را از ریشه‌های‌مان جدا کند و خدای ناکرده کاری کند مثل اجنبی‌ها موهیتو بمکیم. از طرفی گرمای هوا هم مهمان هر تابستان کشور غالبا بیابانی ماست و هرقدر هم که غر بزنیم و از تقدیر آب شدن در تیرماه بگوییم، بازهم مثل بچه‌ای که دوستش داریم، نمی‌توانیم رهایش کنیم و یک روز در گرمای بالای ۳۵ درجه چای داغ ننوشیم.

اگر پیگیر اخبار دنیا باشید حتما در سرخط خبرهای مهم دنیا خوانده یا شنیده‌اید که گرمای هوا در کانادا تا الان جان بیش از ۷۰۰ نفر را گرفته است. من که با هرکسی که در این دنیا از گرما بمیرد، احساس یکی بودن می‌کنم در اولین اقدام، دمای هوای الان تورنتو را جست‌وجو کردم و با این عدد روبه‌رو شدم: ۱۶ درجه سانتی‌گراد! کمی بیشتر جست‌وجو کردم و فهمیدم کانادایی‌ها به دمای بالای ۳۰ درجه می‌گویند بحران و آمبولانس‌ها در خیابان‌ها به خط می‌شوند! یک لیوان چای داغ دیگر می‌ریزم که در دمای ۳۵ درجه بنوشم و به این فکر می‌کنم که چای و بیابان از آدم یک مرد مقاوم می‌سازد!

گفت‌وگو با علی دهباشی و دکتر مهدی محقق در سالروز درگذشت دکتر محمد معین

فردوسی معاصر

خانه موزه دکتر معین و امیر جاهد در خیابان پیروزی موزه‌ای است برای علاقه‌مندان به فرهنگ و موسیقی

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

۴۰ سال قبل در چنین روزی دکتر محمد معین از دنیا رفت. در سن ۵۳ سالگی! پنج سال از این عمر کوتاه را در کما به سر برد. ۹ آذر سال ۴۵ پس از بازگشت از ترکیه در دفتر گروه زبان و ادبیات فارسی، سکته کرد و تا پایان عمر در کما بود. دکتر معین در ۱۳ تیر سال ۵۰ در بیمارستان فیروزگر از دنیا رفت. حالا بعد از ۴۰ سال که از درگذشت این استاد زبان فارسی می‌گذرد، اهل اندیشه و پژوهشگران و دوستداران زبان فارسی می‌گویند اگر اجل به او فرصت می‌داد، او که همه دغدغه‌اش حفظ و اشاعه زبان فارسی بود، می‌توانست کارهای بزرگ‌تری انجام دهد. هر چند لغت‌نامه‌ای که او گردآوری کرده و منتشر شده برای همیشه در تاریخ زبان و ادبیات فارسی زنده خواهد ماند و یکی از حافظان این زبان خواهد بود.

همه ما حداقل یک جلد از فرهنگ معین را در خانه داریم و در زمان تحصیل حتما بارها آن را ورق زده‌ایم. نام این فرهنگ را در شناسنامه کتاب‌های فارسی دوران مدرسه هم دیده‌ایم. معلمان هم برایمان گفته‌اند که دکتر معین آدم مهمی است چون بخشی از دانش ما از اطلاعاتی است که او در فرهنگ معین جمع‌آوری کرده یا در دیگر تالیفاتش نوشته. اما راستش را بخواهید هیچ‌کس و هیچ معلمی به ما درباره زندگی شخصی او و این‌که چگونه وقتش را برنامه‌ریزی کرد تا این همه لغت را گرد آورد، چیزی نگفته. این که او متولد رشت بوده و پدرش، شیخ ابوالقاسم از روحانیون این شهر بوده هم کسی چیزی به ما نگفته. این که دکتر معین مورد اعتماد دهخدا بوده و او وصیت می‌کند که بعد از فوتش کارهای لغت‌نامه‌اش را دکتر معین انجام دهد هم معلم‌ها به ما نگفته‌اند. درباره نیما یوشیج زیاد خوانده و شنیده‌ایم اما این که در آن دوره که اهالی فرهنگ همه یکدیگر را می‌شناختند و با هم حشر و نشر داشته‌اند، نیما یوشیج وصیت می‌کند فقط دکتر معین اجازه دارد آثار او را نشر دهد را کمتر شنیده‌ایم. این که یک محقق و نویسنده که به اصطلاح وقت سرخاراندن ندارد، چنین بتواند اعتماد اهل فرهنگ و شاعر نوگرا و حساسی مانند نیما یوشیج را جلب کند هم از آن اطلاعاتی است که کمتر درباره آن صحبت شده است. دکتر معین چهار فرزند دارد که مهدخت، فرزند ارشد ایشان است. دیروز به او تلفن کردم تا درباره پدرش برایمان بگوید، در جواب گفت: «دوباره سالگرد فوت بابا شد و شما رسانه‌ای‌ها مدام تلفن می‌کنید، چرا زودتر برنامه‌ریزی نمی‌کنید؟ من وسواس و حساسیتم را از پدر به ارث برده‌ام و با عجله نمی‌توانم به سؤالات شما جواب بدهم. هرکاری دقت و زمان می‌خواهد...» گفتم حتی درباره پدر هم باید فکر کنید؟ گفت: «بله. نمی‌شود درباره ایشان فی‌البداهه صحبت کرد.» وقتی گفتم با آقای علی دهباشی صحبت کرده‌ام و او شماره شما را به من داده، شماره دکتر مهدی محقق را به من داد و گفت ایشان استاد دانشگاه تهران هستند و می‌توانند درباره پدر صحبت کنند.

علی دهباشی: همه به او اعتماد داشتند

دهباشی، مدیرمسؤول مجله بخارا چندین سال به‌مناسبت سالروز درگذشت دکتر معین برنامه‌ای با عنوان شب دکتر معین را برگزار و از اندیشمندان و اعضای خانواده دکتر دعوت کرده تا درباره او صحبت کنند. دهباشی که به گردن فرهنگ و هنر ایران حق زیادی دارد یکی از علاقه‌مندان دکتر معین است. او درباره استاد معین می‌گوید: متعلق به نسلی است که زبان فارسی و فرهنگ ایرانی دغدغه‌اش بود و همه تلاش خود را کرد تا زبان فارسی را حفظ کند. اگر قرار باشد از انسان‌های معاصر یکی را معرفی کنیم که عشق به زبان فارسی را از حرف به عمل تبدیل کرد، دکتر معین در صدر قرار دارد. برای همین می‌تواند الگویی برای همه دغدغه‌مندان زبان فارسی و فرهنگ ایرانی باشد. عمر زیادی نکرد اما همین سال‌های اندک را هم وقف فرهنگ ایرانی کرد. رنج زیادی برد اما کارش آن‌قدر بزرگ و گسترده است که به این همه رنج می‌ارزد. میراث بزرگی به‌جا گذاشت که در طول تاریخ خواهد ماند. تصور کنید که بزرگانی چون دهخدا و معین، لغت‌نامه گردآوری نمی‌کردند، حتما ما با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شدیم. این بزرگان گنجینه‌هایی هستند که لازم است به نسل امروز و آینده معرفی شوند. وظیفه همه رسانه‌هاست که درباره آنها بنویسند و جوان‌ها را تشویق کنند که راه او را ادامه دهند. تحقیق کنند و پژوهش را به اصل زندگی خود تبدیل کنند. اما واقعیت این است که ما در حق همه بزرگان ایران کوتاهی می‌کنیم همچنین درباره دکتر معین. می‌پرسید چه ویژگی‌ای باعث شد نیما یوشیج به او اعتماد کند و نشر آثارش را به استاد معین بسپارد؟ در جواب می‌گویم چون دکتر با رفتار عملی خود درستکاری‌اش را ثابت کرده بود. عشق به ایران و زبان فارسی را ثابت کرده بود و همین باعث شد همه به او اعتماد کنند.

دکتر مهدی محقق: روش کارش علمی بود

آنچه دکتر معین را بارز می‌کند، سختکوشی او در گردآوری لغات فارسی بود. ایشان تسلط زیادی بر لغات فارسی داشت. این تسلط را می‌توان در فرهنگ لغات ایشان و در حواشی‌ای که بر کتاب برهان قاطع نوشته، دید. مهم است که بدانیم استاد معین به گویش‌های ایران و زبان‌های باستانی هم مسلط بوده؛ زبان‌هایی مانند پهلوی و دیگر زبان‌های باستانی. برای همین است وقتی در فرهنگ لغات معنی کلمه‌ای را نوشته، ریشه گویشی و باستانی آن را هم ذکر کرده؛ به‌خصوص اگر آن کلمه در گویش طبری، مازندرانی و گیلکی ریشه‌ای داشته است. دکتر معین با گردآوری لغات در اصل زبان فارسی را گسترش داده و این یکی از موثرترین راه‌ها برای حفظ زبان فارسی است که کمتر لغات بیگانه به آن ورود کرده و به آن آسیب بزند. ایشان از پیشروان حفظ و گسترش زبان فارسی بود. اگر قرن‌ها قبل فردوسی با خلق شاهنامه در قالب شعر، زبان فارسی را حفظ کرد و به امروز رساند و آیندگان نیز آن را خواهند خواند، شخصیت‌هایی مانند دکتر معین هم با گردآوری لغات فارسی، همان کار فردوسی را در قالب دیگر انجام داده است. کوشش هر دو احترام‌برانگیز و قابل ستایش است. کار دکتر معین از یک جهت دیگر هم قابل تامل است و آن روش علمی است که برای گردآوری و نوشتن لغات از آن استفاده کردند. همین دقت و نگرش علمی در روش تحقیق بود که دهخدا را بر آن داشت تا کارهای مؤسسه‌اش را بعد از خودش به استاد معین بسپارد. اگر نیما یوشیج به او اعتماد کرد به این دلیل بود که دیده بود و باور داشت که دکتر معین در کارش جدی است و از روش‌های علمی استفاده می‌کند و مهم‌تر این که صادق است و می‌توان با خیال راحت به او اعتماد کرد چون ثابت کرده برای به نتیجه رساندن کارهایی که به او سپرده می‌شود، سنگ تمام می‌گذارد.

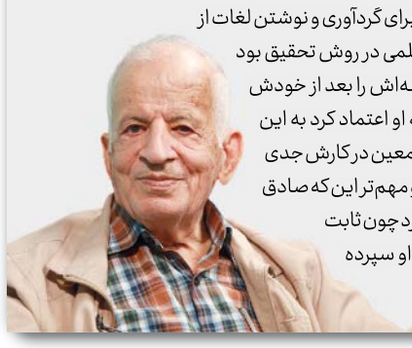

مقطع حساس کنونی

جاری سیال حکیم مالشی

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در سال‌های آغازین دهه ۷۰ که طرح بزرگ لوله‌کشی گاز در بسیاری از شهرها در حال اجرا بود، در یکی از شهرها حکیمی زندگی می‌کرد که پس از سال‌ها خدمت شرافتمندانه در بنیاد حکمت و اندیشه معاصر، بازنشسته شده بود و پس از بازنشستگی به استخدام یکی از عاملین توزیع نفت درآمده و با چرخ‌دستی به فروش نفت در سطح شهر مشغول بود و ازآنجاکه در هنگام فروش نفت، فریاد می‌زد: نفتیه نفففففففت، به حکیم نفتی مشهور شده بود. حکیم نفتی کم‌کم احساس کرد نگاه مردم به وی تغییر کرده است و دیگر او را مانند سابق تحویل نمی‌گیرند اما از آنجا که حکیمی خوشبین بود، تلاش می‌کرد افکار منفی را از خود دور کند و جملات انگیزشی را سرلوحه افکار و رفتار خود قرار دهد. روزی از روزها حکیم نفتی زنگ در خانه مهندس جباری را که از اهالی فرهیخته محل بود به صدا درآورد. وقتی مهندس جباری درب خانه را باز کرد، حکیم نفتی پس از سلام و احوالپرسی از وی پرسید: شما خانه خود را لوله‌کشی گاز کرده‌اید؟ مهندس جباری گفت: از سوراخ روی دیوار فهمیدی؟ حکیم نفتی گفت: نه. از سلام و علیکت فهمیدم. مهندس جباری گفت: یعنی چه؟ حکیم نفتی گفت: قبل از این‌که خانه‌ات گازکشی شود، خوب مراتحویل می‌گرفتی، حالم را می‌پرسیدی و بحث‌های سیاسی می‌کردی و .... وی افزود: همه اهل محل همین‌طور بودند اما هرکس خانه‌اش گازکشی می‌شود، دیگر سلام و علیک او تغییر می‌کند.

وی در پایان افزود: سلام‌هایی که بوی نفت می‌دادند. به‌این‌ترتیب حکیم نفتی و مهندس جباری با یکدیگر قرار شراکت گذاشتند و شرکتی تأسیس کردند تا به‌طور تقسیم‌کار یک خدمات لوله‌کشی گاز شهری تأسیس کنند و در سود و ضرر شریک باشند و از آن روز مردمان زرگنده به وی لقب حکیم گازی، حکیم بستنی، حکیم زنبیل‌آباد و حکیم مالشی گفتند. حکیم مالشی و مهندس جباری طی دو سال اجرای طرح لوله‌کشی گاز بار خود را بستند و اکنون از خرپول‌های منطقه به شمار می‌روند.

مرور و عبور

جام جم: ۲۰ سال قبل

نظر عزت‌ا... انتظامی درباره فیلمنامه

عزت‌ا... انتظامی درباره سینمای ایران و مشکلاتی که دارد به جام جم گفت: مشکل اساسی فیلمنامه است. سینمای ایران سناریست به‌معنای حرفه‌ای ندارد. بیشتر کارگردانان خودشان فیلمنامه می‌نویسند و برای نوشتن فقط از ذهنیات، محفوظات و محیط اطراف خود بهره می‌برند. برخی از تهیه‌کننده‌ها و کارگردانان برای جذب مخاطب بیشتر به سینمای اجتماعی روی می‌آورند که در چند سال اخیر متداول شده است. فیلمنامه‌نویسان ایده‌ای را مطرح می‌کنند اما موفق نمی‌شوند قصه‌پردازی درستی انجام دهند. شخصیت‌ها دچار مشکل هستند و به آنها پرداخته نمی‌شود و در بخشی از قصه رها می‌شوند. شاید ما درام داشته باشیم اما دراماتور نداریم. (صفحه ۱۰)

سکوت رئیس‌جمهور در دادگاه

اسلو بودان میلوسوویچ، رئیس‌جمهور پیشین یوگسلاوی روز گذشته در دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی در لاهه بدون وکلای خود حاضر شد اما از اظهارنظر و پاسخ صریح به قاضی خودداری کرد. این دادگاه حدود ۱۵ دقیقه طول کشید و میلوسوویچ در پاسخ به دادگاه، محاکمه خود را غیرقانونی دانست و آن را دادگاهی سیاسی و بازیچه ناتو خواند. (صفحه ۲)

خط فقر؛ ۷۵ هزار تومان

مدیرکل تامین اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گفت: اکنون ۱۵/۵ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

مجید یارمند گفت: خط فقر در شهرها با خانواده‌هایی با درآمد ماهانه زیر ۷۱۰ هزار ریال اطلاق می‌شود و با توجه به تنگناهای موجود، میزان بودجه نظام تامین اجتماعی کشور تنها ۱۶ درصد بودجه عمومی کشور را تشکیل می‌دهد و بر این اساس ۲۸ سازمان متکفل تامین اجتماعی به ۲۳ سازمان کاهش می‌یابد. لایحه فقرزدایی براساس منویات رهبر معظم انقلاب و دستور رئیس‌جمهور توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه و به دولت ارائه شده است. یکی دیگر از راه‌های فقرزدایی هدفمند کردن یارانه‌هاست که الان روش توزیع آن نادرست است. (صفحه ۱۳)

گفت‌وگوی بوق اشغال با قطب‌الدین صادقی

همه شغل‌های قبلی؟ دیپلم بیکار، کارمند شهرداری، مربی تئاتر کودکان، منتقد تئاتر، استاد دانشگاه، کارگردان تئاتر.
اولین یاد کودکی؟ پالتوی قرمز و قابلمه مخصوص برنجم.
بهترین بازی؟ والیبال بچه‌های محل در حیاط بزرگ خانه.
اولین ترس؟ سایه هولناک درختان حیاط، هیچ‌کس خانه نبود و یک قرن بر من گذشت.
اولین شادی؟ زمزمه برادرها از خواب بیدارم کرد و گفتند بابا برگشته.
از چه ضرب‌المثلی بیشتر خوش‌تان می‌آید؟ آفتاب آمد دلیل آفتاب.
وقتی خوشحال هستید؟ به نیمه پر لیوان نگاه می‌کنم.
پنج موسیقی برای جزیره تنهایی؟ ویوالدی، واگنر، بتهوون، شوستاکویچ، مالر.
بهترین تفریح؟ شنا.
بهترین شهر برای زندگی؟ پاریس.
دل‌تان می‌خواهد در چه سنی بمیرید؟ در حد عمر سایر افراد خانواده، بالای ۹۵ سال.
نظرتان درباره کم‌آبی؟ جنگ آب‌شیرین رخ خواهد داد. (صفحه ۵)

سینمای خانوادگی در شبکه یک

مجموعه تلویزیونی سینمای خانوادگی در ۲۶ قسمت ۳۵ دقیقه‌ای به کارگردانی فرشاد اکتسابی برای پخش از شبکه یک تولید شده است. این مجموعه با حضور روان‌شناس، جامعه‌شناس و منتقد سینما فیلم‌هایی که موضوع آنها خانواده است، نمایش و بعد از آن نقد می‌شود. برخی از فیلم‌هایی که در این برنامه به نمایش درمی‌آید، عبارتند از: تیک‌تاک (محمدعلی طالبی)، درکمال خونسردی (سیامک شایقی)، داستان توکیو (یاسی جیرو ازو)، کیمیا (احمدرضا درویش)، پرنده کوچک خوشبختی (پوران درخشنده)، نیاز (علیرضا داوودنژاد)، کیسه برنج (محمدعلی طالبی) و... . لیلا عارف‌نعمتی، تهیه‌کننده این مجموعه گفت: فیلم‌هایی در این برنامه به نمایش درمی‌آیند که از تلویزیون پخش شده‌اند و مردم درباره آنها ذهنیت دارند. (صفحه ۳)